



دو هفته نامه سیاسی تربیتی ره گذر

صاحب امتیاز: هیئت یاوران ولایت

مدیر مسئول: هادی فتیحی اقدم

صفحه آرا: احسان ترکمان منش

سر دبیر: مهدی حقی

سال اول شماره پنجم تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۰۶/۲۴

رایانامه: bavela@chmail.ir

وبلاگ: bavela.blog.ir

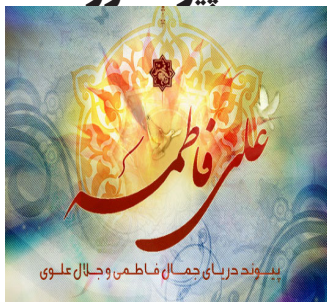
آدرس: ارومیه - میدان انقلاب - خیابان امام خمینی (ره) - مسجد یوردشاهی



شعر



## بیوند نور



روز وصل فاطمه با حیدر است  
 آن که سادات را به جنت سرور است  
 بیت پاک مصطفی غرقاب نور  
 خیل مشتاقان دین غرق سرور  
 در فلک کروبیان مسرور و شاد  
 خاکیان اندوه دل بردند زیاد  
 النکاح سنتی سامان گرفت  
 زین سبب بنیاد عاشق جان گرفت  
 غنچه ی عشق خدایی وا شده  
 در زمین و آسمان غوغا شده  
 دیدگان مومنان بینا ز آن  
 نور حق کور کرده چشمان بدان  
 پاره ی تن از نبی گردد جدا  
 همدم و مونس شود بامر تزی  
 اشک شوق از نرگس طاهها چکد  
 زین شعف پیراهن غم بر کند  
 تهنیت گویند ملایک بر رسول  
 بهر وصل شاه مردان با بتول  
 رنگ گرفته یکدلی از وصل شان  
 با نصیب هر بینوا از فضل شان  
 هم صدا و هم دل و مشتاق هم  
 یاور و همدم به هر شادی و غم  
 هر دو گل پرورده ی دامان دوست  
 بوی عطر هر گل بوستان زاوست  
 ساده اما بس بجا و پاک و ناب  
 می رود زهرا به بیت بوتراب  
 ای اسدچشمان خلقان بر دراست  
 روز وصل فاطمه با حیدر است  
 اسداله تعالی رودی

## داستان خواستگاری و ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س)

### خواستگاری

روزی خدمتکارم از من پرسید: آیا از خواستگاری فاطمه خبر داری؟  
گفتم: نه.

گفت: کسانی وی را از پدرش خواسته اند. اما از تو تعجب است که پا پیش نمی گذاری و فاطمه را از رسول خدا (ص) نمی خواهی؟

گفتم: من چیزی ندارم که با آن تشکیل خانواده دهم.

گفت: اگر تو نزد رسول خدا (ص) شوی (من مطمئنم که) فاطمه را به تو تزویج خواهد کرد.

به خدا سوگند، آن کنیز، چندان در گوش من خواند تا جرات اقدام را در من پدید آورد. و مرا وادار ساخت که نزد رسول خدا (ص) بروم.

### کابین

... هنگامی که برای خواستگاری فاطمه رفتم، مجذوب حشمت و حرمت رسول خدا شدم و خاموش در برابر او نشستم، بخدا قسم، کلمه ای بر زبانه جاری نشد.  
رسول خدا (ص) که چنین دید پرسید: چه می خواهی؟

آیا حاجتی داری؟

من همچنان خاموش ماندم و چیزی نگفتم. دوباره پرسید، و من باز ساکت بودم. تا اینکه برای بار سوم گفت: شاید برای خواستگاری فاطمه آمده ای؟  
گفتم: آری، فرمود: آیا چیزی داری که آن را کابین زهرا سازی؟

گفتم: نه، یا رسول الله.

فرمود: زهرا را که به تو داده بودم، چه کردی؟

گفتم: دارم، اما چندان ارزشی ندارد و بیش از چهار صد درهم بها ندارد.

فرمود: همان را کابین فاطمه قرار بده و بهایش را نزد من بفرست.

### جهاز مختصر

... من برخاستم و زره را فروختم و پول آن را به خدمت آوردم و در دامانش ریختم. حضرت از من نپرسید که چند درهم است و من نیز چیزی نگفتم. سپس بلال را صدازد و مشتی از آن درهمها را به او داد و فرمود: با این پول برای فاطمه عطریات تهیه کن. بعد با هر دو دست خود مشتی را برگرفت و به ابوبکر داد و فرمود: از لباس و اثاث منزل آنچه مورد نیاز است خریداری کن. عمار یاسر و تنی چند از اصحاب را هم همراه او روانه کرد. آنها وارد بازار شدند و هر یک که چیزی را می پسندید و ضروری می دانست، به ابوبکر نشان می داد و با موافقت او می خرید. از چیزهایی که آن روز خریدند: پیراهنی به بهای هفت درهم و چارقدی به چهار درهم، قطیفه مشکی بافت خیبر، تخت خوابی بافته از برگ خرما. دو تشک که از کتان مصری رویه شده بود که یکی را از لیف خرما و دیگری را از پشم گوسفند پر کرده بودند. چهار بالش از چرم طائف که از علف اذخر (گیاه مخصوصی است در مکه) پر شده بود. و پرده ای پشمین و یک قطعه حصیر، بافت هجر (مرکز بحرین آن روز) و آسیاب دستی و کاسه ای برای دوشیدن شیر و مشکی برای آب و ابرقی قیر اندود. و سبوی بزرگ و سبز رنگ و تعدادی کوزه گلی.

اشیاء خریداری شده را نزد رسول خدا (ص) آوردند. حضرت همین طور که جهاز دخترش را می دید و آنها را بررسی و ورنه می نمود گفت: خدا به اهل بیت برکت دهد.

منبع: سایت شهید آوینی



## ازدواج فرمانده

خاطره ای که در زیر می خوانید متن مصاحبه غلامعلی نسائی با همسر شهید ابوالقاسم کلاگر معاونت طرح و عملیات تیپ مهندسی رزمی جواد الائمه لشکر خط شکن ۲۵ کربلا است.

بار اول که ابوالقاسم آمد خواستگاری ام، سرش را پائین انداخت و گفت: دختر عمو، من مرد جنگ و تفنگ و جبهه ام، من یک مسافر، زیر چشمی نگاهی کردم و توی دلم گفتم: مسافر بهشت. من دلم بهشت می خواهد. انگار حرف های دلم را شنید! زیر چشمی نگاهی انداخت و گفت: چیزی گفتمی دختر عمو؟

بله را که گفتم، رفت و با یک بسته کارت عروسی برگشت،

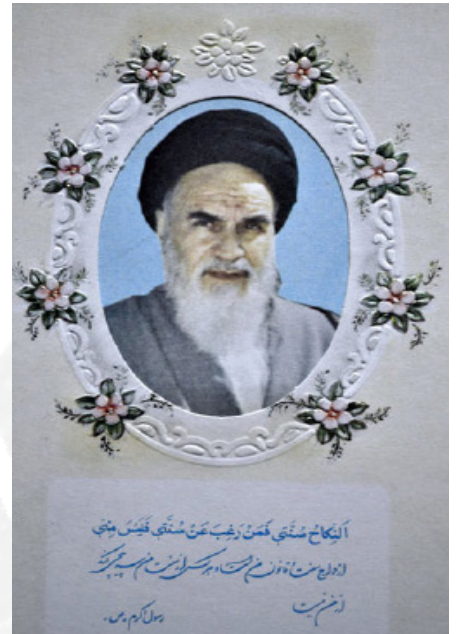
گفت: دختر عمو دوست داری کارت عروسی، کارت دعوت مهمان های ما چه شکلی باشد؟ گفتم: معلوم است دیگر، مهمان های ما یا شهدای آینده هستند، یا الان خانواده هاشون یک شهید داده اند، یا جانبازند، تازه مگر شوهر من مسافر بهشت نیست، کارت عروسی ما هم باید در حد خودمان باشد. مگه میشه خدا را دعوت کرد، کارت دعوت خدا، خدائی نباشد.

خندید و کارت می که چاپ کرده بود، نشانم داد.

عروسی کردیم، هفت روزه عروس بودم که ابوالقاسم رفت جبهه، دیگه ماندگار شد، هر چند وقتی یک مرخصی می آمد و چند روزی بود و میرفت. سه سال با هم زندگی کردیم، زندگی ما در برهه شلیک گلوله و خمپاره و اطلاعیه های جنگ بود. هر عملیات که می شد، دل ام فرو می ریخت، هی به دلم تشر میزد، با من مدارا کن. مدارا کن. یک روز که دلم خیلی دلتنگ ابوالقاسم شده بود، خبر دادند؛ مسافر بهشت، پر کشید و رفت.



روز ازدواج شهید، در جمع شهدا؛ مهمان های رزمنده ای که اکثراً شهید شدند



### کارت عروسی شهید

ذهای مختلف ورزشی و ... وجود دارند که هر کدامشان برای یک عضو بدن و تقویت آن و کل مجموعه برای بدنسازی و تقویت کل بدن خاصیت و کاربرد دارد، حال کسی که با اشتیاق و میل و رغبت و علاقه به ورزش بدنسازی به آن باشگاه رفته باشد هر چه موارد تمرین و ورزش و دستگاه ها و ابزار آلات بیشتر باشد، خوشحال تر است چرا که می داند بهتر می تواند تمرین کند و رشد کند و با انجام چند تمرین ممکن است خسته شود اما بی حوصله نمی شود. اما اگر کسی دیگر با اجبار یا اکراه و از سربمی حوصلگی به همان باشگاه رفته باشد و مشتاقانه قصد ورزش و تمرین را نداشته باشد با اولین تمرین وزنه ها، نه تنها خسته می شود که بی حوصله هم می شود و ناراحتی خود را به روشهای مختلف ابراز می کند. تفاوت این دو فرد چیست؟

تفاوت واضح است یکی برای تمرین و رشد کردن آمده و دیگری با اجبار یا اکراه وارد زمین باشگاه شده است. زندگی و ازدواج نیز همین طور است. برای کسانی که بخواهند در ابعاد مختلف رشد کنند، از این زمین و میدان گاه جای بهتری پیدا نمی شود و موارد تمرین و رشد بسیار زیاد است، اما برای کسی که حال و حوصله ی تمرین کردن و قوی شدن و رشد کردن را ندارد، ازدواج گرچه آغازی شیرین دارد، اما ادامه ی خسته کننده ای را خواهد داشت.

در این مقاله قصد داریم با نگاهی اجمالی، فلسفه و اهداف ازدواج را به زبانی دیگر مورد بررسی قرار دهیم:

ازدواج همه ابعاد وجودی انسان را به محک فرا می خواند. تا قبل از ازدواج عوامل آزمایشنده خصوصیات حقیقی افراد، بسیار کم است اما به هنگام ازدواج به یکباره صحنه تغییر می کند. آنقدر عوامل آزمایشنده در این مرحله زیاد است که کمتر بعدی از ابعاد وجودی انسان خارج از آزمایش قرار می گیرد.

ازدواج بهره گیری از تمتع جنسی، دوری از تنهایی و ... نیز هست اما در پس پرده و در اعماق آن، یک مرحله مهمی برای رشد یافتن انسان است، آن قدر که ازدواج می تواند انسان را رشد دهد. کمتر مسئله ای این خاصیت را دارد.

ازدواج به خاطر مشکلات و مسائلی که دارد می تواند توانائی های انسان را محک بزند و انسان به واسطه همین مشکلات و مسائل، تمرین توانا تر شدن را انجام می دهد، برخی از افراد که از مشکلات هراس دارند به این نکته توجه نمی کنند که بایستی وارد میدان مشکلات شد تا که آبدیده شد. تعریف های متفاوتی که از ازدواج می شود بستگی به نوع دیدی است که نسبت به ازدواج وجود دارد. بعنوان مثال فرض کنید که در یک باشگاه بدنسازی هستید، انواع وزنه ها، دمبل ها، بارفیکس ها، دستگا

### لطفاً با انگیزه ازدواج کنید

### حدیث هفته

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

از نشانه های برکت زن آن است که خواستگاریش بی تکلف و آسان انجام گیرد.

کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۲۲، ح ۴۴۷۲۱

\*\*\*

امام صادق علیه السلام فرمودند:

چهار کس در قیامت مورد نظر پروردگارانند:

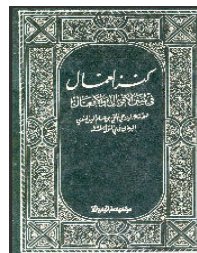
۱- آنکه چون طرف معامله پشیمان شود، معامله را برگرداند.

۲- کسی که غم از دلی برگیرد.

۳- کسی که برده ای را آزاد کند.

۴- کسی که بی همسران را به ازدواج درآورد.

وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۴۶



عکس نوشت  
سالروز ازدواج امیر المؤمنین علی(ع) و فاطمه زهرا(س) مبارک باد

